

## بازهم جهودان! (گزارشی از یک پژوهش باستان‌شناسی)

پاره‌ی نخست

(پیش‌کش به برپژوهنده‌ی یگانه: استاد ناصر پورپیرارسال)



کشفیات اخیر باستان‌شناسی در منطقه‌ی مشهور به «چهجه»، در شمال غربی طبس گیلکی، یکی از جنوبی‌ترین بخش‌های خراسان بزرگ کهن، که به استناد کاوش‌های عدیده‌ی باستان‌شناسی، و پژوهش‌ها و تأملات پسینی آن، در ادوار بسیار دور، حدوداً حوالی ۱۷۰۰۰ (هفده‌هزار) سال پیش از میلاد مسیح، دارای تمدنی بسیار کهن و پیشرفته بوده است، به اثبات این راستینه یاری قابل

ملاحظه‌ای رسانده که قوم یهود، این عبرانیان خشن و بی‌فرهنگ، از همان حدود و حوالی زمانی، در پی اجرای مقاصد شوم و توطئه‌وار خویش بوده‌اند.

بنا به اسناد به‌دست‌آمده از منطقه‌ی باستانی چهجه، «یهوه» که بعدها به‌گونه‌ی خدای قوم خشن عبرانی درآمده، در اصل، یکی از سرکردگان بسیار خون‌خوار این قوم مخوف بوده است. نام این سرکرده‌ی مهیب و خون‌آشام، که به حیث قامت و قواری هولناک خویش، در میان اقوام مجاور نیز شهرت عظیم داشته، در اصل «نَسکیل» یا به اختلافی مختصر: «نَشکیل» (Našakīl) بوده است. (واژه‌ی «ناشاخول» که ما فارسی‌زبانان قرن‌هاست به‌کار می‌بریم، بی‌آن‌که اصل و ریشه‌ی آن را بشناسیم، در اصل، صورتی‌ست متأخر از همین نام باستانی عبرانی...)

بنا به اسناد مکشوفه از چهجه، در سال‌های ۱۶۳۲۷ تا ۱۶۳۲۲ پیش از میلاد مسیح، «نَشکیل» یک‌تن از زیردستان خویش به نام «پَرستائیل» را (که در زبان عبری هزاره‌های بعد، «فرستاده‌ی خدا» معنا می‌دهد) به شمالی‌ترین بخش‌های حاشیه‌ی شرقی خزر می‌فرستند، تا از آن‌جا، وحشیان آدم‌خوار و نیروی جنگی اجیر کند. «پَرستائیل» در آن سرزمین‌ها، با تیره‌هایی از اقوام کاملاً وحشی روبه‌رو می‌گردد که از فرط خون‌خواری و شرارت، در شهری زیرزمینی به نام «وَرِ جَمکرد»<sup>۱</sup> زندگی پنهانی‌یی دارند...

xxx

(در بخش‌های بعدی، ادامه‌ی این پژوهش از نظر شما خواننده‌ی گرامی خواهد گذشت... (م. سهرابی))

✍

پابرجاها:

<sup>۱</sup> برای «وَرِ جَمکرد»، بنگرید به کتاب «وندیداد» (اوستا)